

بررسی و روش‌شناسی کتاب تبصره العوام فی معرفه مقالات الانام

علیرضا ابهری^۱، حسن احمدیان دلاویز^۲

چکیده

نقش دانشمندان شیعه به‌ویژه دانشمندان شیعی ایرانی در توسعه تاریخ و تاریخ‌نگاری غیرقابل انکار است و میراث به جای مانده از سده‌های نخستین مؤیدی بر این مدعاست، اما بی‌شک تلاش‌های شکل گرفته برای تصحیح متون مفقود شده شیعه و تصحیح عالمانه متون بر جای مانده، موجب برجسته شدن و ترسیم نقش شیعیان به‌خصوص ایرانیان در تمدن اسلامی خواهد شد. کتاب *تَبْصِرَةُ الْعَوَامِ فِي مَعْرِفَةِ مَقَالَاتِ الْأَنَامِ* نگاشته جمال‌الدین محمد بن الحسین بن الحسن الرازی آبی یکی از متون تاریخی شیعیان ایرانی است که به لحاظ متن روان و حجم مطالبی که از ساحت فرق و مذاهب اسلامی ارائه می‌دهد، اثر کم نظیری است که به زبان فارسی و در موضوع ملل و نحل نگاشته شده و تا روزگار ما و با نسخ متعدد در دست می‌باشد. با توجه به تخمین قدمت این کتاب به قبل از استیلای مغول و تردید درباره مؤلف آن، ضرورت انجام پژوهش درباره این اثر آشکار می‌گردد. در مقاله حاضر علاوه بر بررسی زمان نگارش و نویسنده کتاب، روش‌شناسی تبصره العوام، تحلیلی از محتوای کتاب و رویکرد نویسنده آن ارائه گردید تا ارزش تاریخی آن بیش از پیش روشن تر شود.

واژگان کلیدی: کتاب تبصره العوام، جمال‌الدین رازی آبی، روش‌شناسی، ملل و نحل، فرق و مذاهب اسلامی.

۱. کارشناسی رشته تاریخ اسلام، مؤسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا (ع).

۲. عضو هیئت علمی مجتمع تاریخ و سیره، جامعه المصطفی العالمیه.

مقدمه

جایگاه و اهمیت تاریخ اسلام و رخداد‌های پر فراز و نشیب آن به همراه گستره جغرافیایی و وجود اشخاص با سلاطین و نگرش‌های متفاوت باعث پدیدار شدن مکتوبات بسیاری در زمینه تاریخ اسلام گردیده است به گونه‌ای که علاوه بر مورخان و وقایع نگاران، افرادی که در زمینه‌های دیگری از علوم نظیر فقه و کلام و... نیز سر آمد زمان خود بوده‌اند، دست به تألیفاتی در این زمینه زده‌اند که بعضاً با نگاهی خاص یا از زاویه‌ای تخصصی بوده که در آن بخش تبخّر داشته‌اند. با پدیدار شدن آثار مختلف به زبان عربی شماری از ایرانیان نیز به‌عنوان طلیعه‌داران زبان فارسی اقدام به تألیف یا ترجمه آثاری به زبان فارسی کرده‌اند.

محمد بن حسین بن حسن رازی، از نویسندگان شیعی نیمه اول قرن هفتم هجری است و چندین کتاب در کلام، تاریخ و فقه دارد، کتاب تبصره العوام اثری از اوست که آن را به زبان فارسی و در علم فرق و مذاهب نگاشته است و با اینکه قرن‌ها معروف و مورد استفاده بوده؛ اما اثر شخص دیگری قلمداد می‌شده است. آثار به جای مانده از محمد بن حسین بن حسن رازی در نیم قرن اخیر شناسایی شده و مقالات و مطالبی در این زمینه منتشر شده به خصوص تصحیح کفایه الانام و قسمتی از متن ترجمه عربی تبصره العوام از استاد جعفریان یا مقالاتی که به معرفی تبصره العوام و مؤلف آن پرداخته‌اند، اما تا به حال روش‌شناسی تبصره العوام مورد بررسی قرار نگرفته به‌خصوص که برخی از آثار وی در دیگر زمینه‌ها از میان رفته است برای روشن شدن جایگاه این شخص و خطاهای تاریخی درباره آثارش، ابتدا مروری بر تبصره العوام داشته و سپس از روش‌شناسی تبصره به لحاظ استفاده از منابع و روش استدلالش سخن خواهیم گفت؛ طبعاً در ضمن آنها از روش فکری او نیز یاد خواهیم کرد.

۱. پیشینه موعود باوری و اعتقاد به منجی در بین ادیان

تفکر موعود باوری یا اعتقاد به منجی آخرالزمان به‌عنوان یک فصل مشترک بین تمام ادیان توحیدی و حتی غیرتوحیدی است، اعتقاد به این تفکر، افق جدیدی برای تشکیل حکومت جهانی به روی ملل جهان می‌گشاید که روزی نجات بخش همه انسان‌ها از دست ستمگران خواهد بود. همواره این تفکر در بین مسلمانان با عنوان مهدویت و اعتقاد به منجی آخرالزمان و در سایر فرهنگ‌ها با کلماتی مثل سوشیانت، مسیانیزم، فیوچریزم، هزاره‌گرایی و غیره مطرح می‌شود.^۱ هر چند در کیفیت و نوع این موعودباوری در بین ادیان، تفاوت‌هایی دیده می‌شود. موعود باوری به معنای اعتقاد به فردی است که در آخرالزمان برای نجات انسان‌ها از ظلم و ستم، ظهور کرده و جهان را پر از صلح و عدالت خواهد کرد.^۲ اما نقطه مشترک همه آنها این است که روزی نجات بخشی خواهد آمد و آنان را از دست ستمکاران نجات داده و جامعه را پر از عدل و داد خواهند کرد. در این اندیشه هندوها منتظر موعود خود بوده و از آن با نام دهمین تجلی ویشنو یا کالکی نام می‌برند؛^۳ همچنین بودایی‌ها منتظر ظهور موعود خود یعنی بودای پنجم هستند؛^۴ یهودیان نیز منتظر مسیح (ماشیح) هستند و آن را نجات‌دهنده می‌خوانند؛^۵ مسیحیان هم، موعود منجی را فارقلیط می‌خوانند که حضرت عیسی علیه السلام و جایگاه و اهمیت تاریخ اسلام و رخدادهای پرفراز و نشیب آن به همراه گستره جغرافیایی و وجود اشخاص با سلايق و نگرش‌های متفاوت باعث

۱. رساله سوشیانس؛ صص ۱۶-۱۴؛ فرهنگ‌نام‌های اوستا؛ ج ۲، ص ۷۷۷.

۲. تونه‌ای؛ موعودنامه؛ صص ۷۰۷-۷۰۸؛ جمعی از نویسندگان؛ گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان؛ ص ۱۹.

۳. شایگان، داریوش، ادیان و مکتب‌های فلسفی هند؛ ج ۱، ص ۲۸۲.

۴. ولفگانگ شومان، هانس؛ آیین بودا؛ ترجمه: ع. پاشایی، ص ۱۲۱.

۵. کهن، آبراهام؛ گنجینه‌ای از تلمود؛ ص ۳۵۲.

پدیدار شدن مکتوبات بسیاری در زمینه تاریخ اسلام گردیده است به گونه‌ای که علاوه بر مورخان و وقایع نگاران، افرادی که در زمینه‌های دیگری از علوم نظیر فقه و کلام و... نیز سر آمد زمان خود بوده‌اند، دست به تألیفاتی در این زمینه زده‌اند که بعضاً با نگاهی خاص یا از زاویه‌ای تخصصی بوده که در آن بخش تبهر داشته‌اند. با پدیدار شدن آثار مختلف به زبان عربی شماری از ایرانیان نیز به‌عنوان طلیعه‌داران زبان فارسی اقدام به تألیف یا ترجمه آثاری به زبان فارسی کرده‌اند.

محمد بن حسین بن حسن رازی، از نویسندگان شیعی نیمه اول قرن هفتم هجری است و چندین کتاب در کلام، تاریخ و فقه دارد، کتاب تبصرة العوام اثری از اوست که آن را به زبان فارسی و در علم فرق و مذاهب نگاشته است و با اینکه قرن‌ها معروف و مورد استفاده بوده؛ اما اثر شخص دیگری قلمداد می‌شده است. آثار به جای مانده از محمد بن حسین بن حسن رازی در نیم قرن اخیر شناسایی شده و مقالات و مطالبی در این زمینه منتشر شده به خصوص تصحیح کفایه الانام و قسمتی از متن ترجمه عربی تبصره العوام از استاد جعفریان یا مقالاتی که به معرفی تبصره العوام و مؤلف آن پرداخته‌اند، اما تا به حال روش‌شناسی تبصره العوام مورد بررسی قرار نگرفته به‌خصوص که برخی از آثار وی در دیگر زمینه‌ها از میان رفته است برای روشن شدن جایگاه این شخص و خطاهای تاریخی درباره آثارش، ابتدا مروری بر تبصره العوام داشته و سپس از روش‌شناسی تبصره به لحاظ استفاده از منابع و روش استدلالش سخن خواهیم گفت؛ طبعاً در ضمن آنها از روش فکری او نیز یاد خواهیم کرد.

بستر شناسی تاریخی - فکری تألیف کتاب

نخستین اثری که در فن ملل و نحل به زبان فارسی نگاشته شده است ترجمه دو فصل از کتاب السواد الأعظم تألیف حکیم سمرقندی (متوفای

۳۴۵هـ) است که اصل کتاب به زبان عربی بوده و ترجمه آن در حدود سال ۳۷۰هـ در بخارا و به فرمان امیر خراسان نوح بن منصور صورت گرفته است،^۱ ظاهراً بعضی از روایت‌های تبصره العوام از این ترجمه منشاء گرفته است؛ چرا که برخی از روایت‌های تبصره العوام فقط در ترجمه سواد الاعظم نقل شده است.^۲ دومین کتاب به زبان فارسی در این زمینه کتاب بیان الادیان تألیف ابوالمعالی بلخی در ۴۸۵هـ است که تاریخ وفات ایشان نیز به بعد از تألیف این کتاب تخمین زده می‌شود و تنها اثر باقی مانده از نویسنده نیز همین کتاب است و اطلاعات چندانی از مؤلف و کتاب‌هایش در دست نیست به خصوص که در مذهب او نیز تردید است؛ با توجه به مطالب تبصره العوام ظاهراً صاحب تبصره العوام این کتاب را نیز در اختیار داشته و از آن بهره برده است.^۳

سومین کتاب در زمینه ملل و نحل به زبان فارسی **تَبْصِرَةُ الْعَوَامِ فِي مَعْرِفَةِ مَقَالَاتِ شَهْرٍ بِتَبْصِرَةِ الْعَوَامِ** کتابی دربارهٔ ادیان و مذاهب است که در سال ۶۳۰هـ نگاشته شده است **تبصره العوام فی معرفة مقالات الانام**، از آثار شناخته شده در حوزه فرقه‌شناسی با نگاه شیعی است که دانشمندی از اوائل قرن هفتم هجری آن را نگاشته و منبعی پر استفاده بوده است. شاهد آن‌که از تبصره، تاکنون ۶۸ نسخه در فهرست «دنا»^۴ معرفی شده و به احتمال نسخه‌های دیگری هم در داخل یا خارج از کشور وجود دارد.

در برخی گزارش‌ها تبصره العوام را اولین و قدیمی‌ترین کتاب شیعی فارسی در موضوع ادیان و مذاهب دانسته‌اند در حالی که کتاب فارسی بیان الادیان حدود

۱. عبدالحی حبیبی، مقدمه تصحیح سواد الاعظم.

۲. واعظی، جعفر؛ مقدمه خود بر تصحیح تبصره العوام؛ چاپ نشر سخن، ص ۱۲.

۳. همان، ص ۱۳.

۴. فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران (دنا) به کوشش: آقای مصطفی درایتی در دوازده جلد تدوین شده است و انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۹ آن را منتشر کرده است.

یک قرن ونیم پیش از آن در همین حوزه تألیف شده بود^۱ با توجه به تردید در شیعه بودن مؤلف بیان الادیان، فعلاً به صورت قطعی می‌توان گفت تبصره العوام و بیان الادیان هر دو کتاب‌هایی فارسی در موضوع ادیان و مذاهب‌اند که از قبل از استیلای مغول به‌جا مانده‌اند. علمای شیعه ایرانی قرن ششم و هفتم هجری از مکتب قم و ری، از مکتب بغداد و نجف در عراق بهره می‌بردند و اثر این دو مکتب علمی در آثار آن‌ها نمایان است به همین منظور برخی از این عالمان به عراق رفته و پس از تحصیل به شهرهای خود باز می‌گشتند و محوریت حضور آنان نیز قم، ری و سبزوار و استرآباد بوده است، در میراث علمی عالمان این عصر دو نکته عمده مطرح است: نخست فارسی‌نویسی این عالمان است که در واقع با این‌که پیرو مکتب شیخ طوسی و نجف بودند، اما چون شیعیان ایرانی حاضر در این عصر عمدتاً فارسی می‌نوشتند و می‌خواندند، این عالمان چاره‌ای نداشتند جز اینکه فارسی بنویسند البته برخی از عالمان بزرگ شیعی در این دوره به عربی نیز می‌نوشتند؛ دوم نوشتن در تمامی حوزه‌های علمی شیعی از فقه و کلام و تاریخ و... با لحن احتجاجی و مناظره‌ای است^۲ آن هم به زیان ساده و عوامانه به گونه‌ای که شیعیان با متون و مباحث دینی خود آشنا باشند و بتوانند با اکثریت سنی که در این عصر حاکم بود مقابله و از حیث دینی خود دفاع کنند، لذا نیاز به نگارش آثاری به فارسی و با این وسعت علمی احساس می‌شد.

مؤلف تبصره العوام از علمای امامیه و از شیعیان اثنا عشری این عصر است و به تناسب وضعیت اجتماعی این عصر در مقام دفاع، این کتاب را نوشته و به وفور در متن کتاب به طعن و تقیح مخالفین پرداخته و چنانچه خود نیز اشاره دارد در نقل آرا و مقالات مخالفین به اختصار و آنچه که به نظر خود سخیف و

۱. صفا؛ تاریخ ادبیات در ایران؛ ج ۲، ص ۲۶۶.

۲. جعفریان؛ کفایه الانام؛ مقدمه تصحیح، ص ۱۲.

ضعیف می‌دیده را بیان کرده است^۱ و به دنبال جمع‌آوری روئس و اصول عقائد مذاهب مختلف بوده است و نقدهایی نیز به تناسب بحث‌اش دارد به خصوص که در میان ابواب به حقانیت شیعه نیز می‌پردازد.^۲ البته این روش و رویه اختصاص به تبصره العوام ندارد و در بین علماء این دوره مرسوم بوده است که از همان لحن مناظره‌ای منشاء گرفته است.

مؤلف و نویسنده کتاب

نام مؤلف در متن تبصره العوام به صراحت نیامده است و همین امر اختلافاتی در تعیین نام نویسنده از دیرباز به وجود آورده است. نظر مشهور کتاب را منتسب به مرتضی بن قاسم داعی حسنی رازی دانسته، اما این انتساب را نمی‌توان قبول کرد؛ چرا که وی و برادرش، ابوحرث مجتبی بن داعی، هر دو از مشایخ منتجب‌الدین رازی^۳ (متوفی بعد از ۵۸۵ هـ.ق) بوده‌اند، اما منتجب‌الدین در آثار خود هیچ اشاره‌ای به چنین تألیفی از مرتضی بن قاسم نکرده است، علاوه بر آن نمی‌توان زمان تألیف تبصره العوام را با تاریخ حیات این شخص تطبیق داد که حاکی از نادرستی این قول می‌باشد. بر اساس قرائن و شواهد موجود تا سال ۱۳۱۳ و تحقیقی که استاد عباس اقبال در زمینه مؤلف این کتاب به عمل آورده‌اند، ایشان با بررسی نسخ و احتمالات موجود دست به رد بقیه حدسیات زده و در نهایت بنا بر قول مشهور، مؤلف تبصره العوام را مرتضی بن قاسم داعی حسنی رازی دانسته‌اند، هر چند که خود ایشان نیز در این نظر تردیدهایی داشتند؛ با این وجود بهترین چاپ تبصره العوام تاکنون توسط استاد عباس اقبال منتشر

۱. نسخه شماره ۱۰۴۷۴ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، فریم ۱۱ و فریم ۱۶.

۲. همان، فریم ۲۰.

۳. علی بن عبیدالله معروف به شیخ منتجب‌الدین رازی صاحب کتاب الفرست که اسامی علمای شیعه و کتاب‌های آنان را جمع کرده است.



یافته است، ولی ایشان به نسخه‌های محدودی دسترسی داشته است و مهم‌تر اینکه به نسخه شماره ۱۰۴۷۴ کتابخانه مجلس شورای اسلامی که کتابت سال ۷۱۶ه.ق. است و ترجمه عربی تبصرة العوام نسخه شماره ۱۲۵۶ کتابخانه مجلس شورای اسلامی دسترسی نداشته است و همین امر باعث خلط مرحوم عباس اقبال شده است، البته ناگفته نماند که سال‌ها بعد از نگارش مقدمه مرحوم اقبال، گفتاری طولانی و نقادانه نسبت به مقدمه ایشان، توسط آیت‌الله شبیری زنجانی منتشر شده و درباره جزئیات اظهار نظر مرحوم اقبال در آن مقدمه سخن گفته شده است^۱ با این وجود این مقاله زمانی نوشته شده که هنوز اطلاعات جدید در باره تبصره العوام به دست نیامده بوده است.

نویسنده کشف الحجب و الاستار درباره مؤلف این کتاب می‌نویسد:

تبصره العوام فی ذکر مذاهب طوائف الأنام لجمال الدین المرتضیٰ أبی عبدالله محمد بن الحسن بن الحسن الرازی و قيل إنه من تصانیف أبی تراب السید المرتضیٰ بن الداعی بن القاسم الحسینی الذی یروی عن شیخ الطائفة أوله حمد و سپاس خدای عزوجل را که جمله موجودات را از عدم به وجود آورد و از نیستی بهستی رسانیده الخ.^۲

اما متأسفانه در این نقل جای حسین بن حسن، الحسن بن الحسین آمده است.

مؤلف الذریعه جناب آقا بزرگ نیز این کتاب را اثری از سید صفی‌الدین علم الهدی ابوتراب مرتضی بن داعی بن قاسم حسینی رازی دانسته و برای توجیه تاریخی آن نیز تلاش‌هایی کرده است^۳ که بعداً با دست یافتن به نسخه ترجمه عربی اشتباه خود را تصحیح کرده‌اند و این کتاب را برای جمال‌الدین

۱. شبیری زنجانی؛ *جرعه‌ای از دریا*؛ ج ۱، صص ۱۹-۳۴.

۲. کنتوری؛ *کشف الحجب*؛ ص ۹۶.

۳. تهرانی؛ *الذریعه*؛ ج ۳، صص ۳۱۸-۳۱۹.

مرتضی محمد، حسین بن حسن دانسته‌اند.^۱ مرحوم اقبال ظاهراً به نسخه‌ای دسترسی داشته که صراحتاً مؤلف ذکر نشده، بلکه در حاشیه آمده است همانند نسخه مجلس مذکور در سطور گذشته در حالیکه نسخی نیز موجود بود (بعداً به تعداد آن هم افزوده شده است) که به مؤلف در بین مطالب یا در مقدمه اشاره شده بود که ایشان به علت عدم تصریح مؤلف از آن‌ها گذشته‌اند یا وی نظر نویسنده کشف الحجب را که براساس نسخ مکشوفه بعدی درست بوده، با این استدلال که منبع او را نمی‌دانیم و چنین کسی را نمی‌شناسیم، کنار گذاشته است.^۲ به هر حال سال‌ها بعد در ۱۳۳۸ نسخه‌ای از کتاب نزهة الکرام و بستان العوام یافت شد و مرحوم افشار مقاله‌ای درباره آن نوشت با عنوان کتابی از مؤلف تبصره العوام که در این معرفی از نزهه، نامی از مؤلف به میان نیامده بود، اما به دلیل این‌که در چند مورد ارجاع داده بود که این مطلب را در تبصره العوام توضیح داده‌ایم، چنین معلوم می‌شد که از صاحب تبصره العوام کتاب تازه‌ای یافت شده و او همان صاحب نزهه است، این مطلب اندکی از ابهام مؤلف را کاست.^۳

شیخ حسین بطیعی، مترجم این کتاب به عربی، ظاهراً به اصل دست‌نویس کتاب تبصره العوام دسترسی داشته و سیر نگارش نویسنده را عیناً نقل کرده است. بنا بر نقل بطیعی، جمال‌الدین محمد بن حسین بن حسن رازی در ۱۰ شعبان ۶۳۰ هـ در شیراز، نوشتن کتاب تبصره العوام را به پایان برده است و مترجم عربی تبصره العوام، حسین بن علی بطیعی در شیراز و در سال ۶۵۸ هـ.ق. ترجمه خود را تمام کرده است، صاحب تبصره العوام را نام جمال‌الدین محمد

۱. تهرانی؛ الذریعة؛ ج ۲۴، ص ۱۲۳.

۲. ر.ک: مقدمه عباس اقبال بر تبصره العوام، نشر اساطیر.

۳. مجله دانشکده ادبیات، سال هفتم، دی ماه ۱۳۳۸، شماره ۲، ص ۴۳.

بن الحسين بن حسن الرازی الابی است و نسبت آبی را این مترجم بر نام مولف افزوده است، آبه یا آوه در نزدیکی قم از مراکز کهن شیعه نشین ایران است.

مترجم عربی تبصره العوام در این باره می نویسد:

«الی ههنا ما وجدنا من کتاب تبصرة العوام بالعجمية بخط مؤلفه الشيخ المحقق المعتقد المنتقد البصير جمال الدين محمد بن الحسين بن الحسن الرازی الابی، و هذا حكاية فراغه من الكتاب: تمّ الكتاب و الحمد لله ولی الحمد و مستحقه و خالق الخلق و رازقه، و الصلوة و السلام على سيّد الانبياء و الرسل محمد المصطفى خير الخليفة اجمعين، و على آله و عترته الطيبين الطاهرين. فرغ من تحريره هجرةً، يوم الجمعة عشرة شهر الله المبارك شعبان عظم الله ميامنه من شهور سنة ثلاثين و ستمائة ببلد شيراز، اضعف خلق الله و احوجهم الى غفرانه محمد بن الحسين بن الحسن الرازی غفر الله له و لوالديه و لجميع المؤمنين و المؤمنات بمنه و جوده؛ ثم إن الناقل لهذا الكتاب من العجمية الى العربية و هو المولى الاعظم قدوة المحققين افضل المتأخرين الحسين بن على البطيطى الحافظ لما بلغ الى ههنا من الكتاب معرّباً له فى بلدة استرآباد حماها الله من طوارق الحداث، و إن كان لم يبق منها اذ ذاك الاّ شفا على شفا جرف هار من كثرة فتن تأتيتها و عليها ينهار فى العاشر من رجب سنة ثمان و خمسين و ستمائة.»^۱

بنا به این نوشته، مترجم علاوه بر معرفی و ذکر نویسنده کتاب، حتی خود را حسین بن علی بطیطی معرفی کرده و می گوید در رجب ۶۵۸ هـ ق ترجمه را در استرآباد (گرگان امروزی) تمام کرده است که ذکر این مطالب نشان می دهد نویسنده برخلاف امروز در آن مقطع از شهرت نسبی برخوردار بوده است. علاوه بر این مترجم عربی در متن ترجمه تبصره العوام در باب یازدهم ضمن بحث مقالات مشبهه و مجسمه در ترجمه عبارت «به خط ابوالفتوح عجلی الشافعی الاصفهانی یافتم که روایت کند از افضل الدین ابوالوفاء از ابو نعیم که او گفت...» را این چنین آورده است که قال الشیخ مؤلف هذا الكتاب جمال الدین محمد بن الحسين بن الحسن رازی رحمه الله عليه بخطّ منتجّب الدین ابی الفتوح العجلی

۱. نسخه ترجمه عربی تبصره العوام، کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۲۵۶ فریم ۱۷۵.

الشافعی الاصفهانی که نشان می‌دهد در اثناء کتاب نیز به نام مؤلف کتاب تصریح کرده است.^۱ استاد رسول جعفریان با استفاده از ارتباط «تبصرة العوام فی معرفه مقالات الانام» با «نزهة الکرام و بستان العوام» و نیز مطالب یاد شده از مترجم عربی تبصره العوام نتیجه‌گیری می‌کند که نویسنده تبصره العوام جمال‌الدین محمد بن الحسین بن حسن الرازی است و در این باره دیگر تردیدی نمی‌باشد، همچنین ایشان در توجیه مطلب کشف الحجب می‌نویسد: که علی القاعده باید این دو تا جا بجا شده باشد.^۲ لذا به نظر نقل آن را نیز می‌توان درست دانست. با این توصیفات و در نظر گرفتن ترجمه عربی تبصره العوام انتساب این کتاب به جمال‌الدین محمد بن الحسین بن حسن الرازی درست است و این را می‌شود با قطعیت گفت که تاریخ اتمام نگارش این اثر در سال ۶۳۰ هـ.ق. بوده همانگونه که در ترجمه عربی این تاریخ تصریح شده است. پیش از شناخت تاریخ دقیق نگارش کتاب، عباس اقبال در مقدمه تصحیح خود، بر اساس قرائنی تاریخ تقریبی نگارش را بعد از سال ۶۰۰ و پیش از ۶۵۳ دانسته بود^۳ و با این قرائن می‌توان قائل به حیات وی حداقل تا این مقطع شد.

هدف از تألیف کتاب

تبصره العوام، همچنان که از نام آن پیداست، به توضیح گفته‌ها و نظریات برای عامه مردم می‌پردازد چنانکه مؤلف کتاب در مقدمه می‌گوید: بدان که مدّت مدیدست که جماعتی از سادات عظام و علما و غیر هم از این ضعیف التماس می‌کردند که مختصری از عقاید اصحاب مقالات و ادیان و ملل به فارسی جمع کن از کتب علمای این صنعت و مشایخ علمای این فن، علایق روزگار مانع آن بود.

۱. نسخه ترجمه عربی تبصرة العوام، کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ش ۱۲۵۶ فریم ۵۴.

۲. ر.ک: مقاله اندر شناخت یک ایرانی فارسی نویسنده شیعه در قرن هفتم هجری از استاد جعفریان.

۳. اقبال، مقدمه تصحیح تبصره العوام؛ صص ۸-۱۴.



چون وعده دادن از حدّ بگذشت و اشتیاق ایشان هر روز زیادت بود، لازم شد شروع کردن و بقدر وسع بعضی از مذاهب و اعتقادات هر قومی یادکردن بر وجه اختصار تا جماعتی که به مطالعه آن مشغول شوند، از تطویل آن ملول و ضجر نشوند و عقیده‌های صحیح از فاسد بدانند و جامع و کاتب از باری تعالی ثواب جزیل و عطای جمیل یابند و این کتاب را تبصرة العوام فی معرفة مقالات الانام نام نهادیم.^۱

نویسنده برای ترویج و تقویت مذهب شیعی که از لوازم این عصر بود به دنبال متنی برای تقویت علمی عموم شیعیان نسبت به مبانی شیعه بود، به همین منظور برای توده عوام کتاب می‌نوشته و در آثار دیگرش بر کلمه «انام» و «عوام» هم تأکید دارد چنانکه در نُزْهَةُ الْکِرَامِ وَ بُسْتَانِ الْعَوَامِ و الفصول التامة فی هدایة العامة و همچنین کفایة الانام هم این عنوان به چشم می‌خورد.

کتاب دیگر مؤلف

محمد بن الحسین بن حسن الرازی در مقدمه کتاب کفایة الانام در این باره این‌گونه می‌نویسد: بدان‌که چون کتاب تبصرة العوام جمع کردیم، کسان بسیار آن را حاصل کردند و بجد بدان راغب گشتند. چون معلوم کردند، زیادت از آن، از ما طلب کردند. کتاب المرشد و شرف المسترشد تألیف کردیم، شرح اصول تبصرة العوام را. آن‌گه بعد آن از ما درخواستند جمع کردن کتاب فقهی، هم به پاریسی شرح فقه تبصرة العوام را، ما ایشان را اجابت کردیم. از آنک فواید بسیار دیدیم عوام را اندر آن، و کتابی دیگر نبود اندر فقه به پاریسی که عوام را دعوی [انگیزه] بود تا به عبادت مشغول شدند و از حد معصیت و نافرمانی بیرون شدند و علم شریعت طاعت حاصل کردند. چون چنین بود، جمع کردن این

۱. واعظی، جعفر؛ تبصرة العوام؛ تصحیح ص ۹۷.

کتاب مهم‌ترین عبادت‌ها بود. چنان‌که مسأله غیبت امام جمع کردیم و گفتیم کی سخن گفتن اندر غیبت امام علیه السلام از مهم‌ترین سخن‌هاست. و نام این کتاب کفایة الانام و هو شرح تبصرة العوام نهادیم. هر که این کتاب و کتاب مرشد و کتاب شرف المسترشد حاصل کند، مستغنی گردد اندر بیشتر روزگار خویش از فقیه‌ی، و توفیق از خدای تعالی خواستیم در جمع کردن این کتاب. ادر این عبارت از چهار اثر مؤلف سخن گفته شده است: تبصرة العوام، المرشد، المسترشد (که در واقع این دو در شرح همان تبصره و قاعدتاً در عقاید بوده است)؛ کتابی درباره غیبت امام زمان علیه السلام. پیش‌تر درباره تبصره سخن گفتیم اما درباره سه اثر دیگر لازم است نکاتی بیان شود:

درباره المرشد اطلاعی نیست و کسی، کتابی از آن قرن که نامش المرشد و به مؤلف کتاب ما مربوط باشد، یاد نکرده است؛ در مورد المسترشد هم کتابی که به کتاب و نویسنده مورد نظر ما نزدیک باشد، اطلاعاتی وجود ندارد؛ کتابی هم که درباره غیبت امام زمان علیه السلام است، نام و عنوانی ندارد تا بتوان درباره آن جستجو کرد. لازم به ذکر است که از این مؤلف سه اثر در دست است که یک منظومه فکری شیعی را در یک مقطع زمانی مشخص، از جریان تفکر شیعی در ایران نشان می‌دهد: تبصرة العوام فی معرفة مقالات الانام، نزهة الکرام و کفایة الانام که هر سه، به نوعی از نظر ساختار عنوانی هم به یکدیگر نزدیک است و از نظر ساختار مقدمه‌ای هم نوعی نزدیکی میان آنها وجود دارد.

کتاب دیگری نیز آقا بزرگ تهرانی برای ایشان ذکر کرده که ظاهراً مرحوم محمد شیروانی مصحح نزهة الکرام و بستان العوام نیز قبول دارند، به نام الفصول التامة فی هداية العامة که جناب آقا بزرگ همه این کتب خصوصاً تبصره العوام را در

۱. کفایة الانام؛ تصحیح: رسول جعفریان؛ صص ۵۴-۵۳.

طبقات الشیعه برای المرتضی بن الداعی بن القاسم ذکر کرده‌اند؛ ایشان می‌گویند: الفصول التامة في هداية العامة اسم ترجمه عربی تبصره العوام است که خود مرتضی بن الداعی بعد از تبصره العوام این کتاب را با همان محتوای تبصره به عربی نگاشته است،^۱ با این نقل ظاهراً این کتاب و انتساب‌اش به حسین بن حسن رازی با اشکالاتی روبروست و متأسفانه باید گفت در اصل وجود این کتاب، منبع یا مطلبی در دست نیست و یا حداقل برای ما میسر نگردید و الله عالم.

بیان چند نکته

با در نظر گرفتن این نقل جناب آقا بزرگ و این که کتاب کفایة الانام، شرح تبصره العوام است چنان که در مقدمه به آن تصریح می‌کند^۲ این سؤال مطرح می‌شود که: اولاً تبصره العوامی که از آن تعبیر می‌شود همین است یا کتابی دیگری با این عنوان وجود دارد که دو جزیی بوده و یک جز آن در فقه بوده که کفایة الانام را در شرح آن نوشته است حال چه نیازی به شرح آن رساله مختصر است سؤال دیگری است، اما این که الفصول التامة را خود حسین بن حسن رازی در ترجمه تبصره نوشته است نیز اشکال بزرگی است که با آن روبرو هستیم. به هر حال کتابی که به عنوان تبصره العوام در دست است نشان نمی‌دهد که جزیی در فقه داشته باشد، اما این که کفایة الانام شرح آن باشد سؤالی است که باقی می‌ماند، اما در این که خود جمال‌الدین محمد رازی در ترجمه تبصره کتاب بنویسد بعید است؛ چرا که با ترجمه‌ای که از حسین بن علی بطیطی در دست است و اشاراتی در شهرت حسین بن حسن رازی دارد، بعید به ذهن می‌رسد که با وجود ترجمه جمال‌الدین محمد یا تألیف عربی خود مؤلف، اقدام به ترجمه

۱. تهرانی؛ طبقات اعلام الشیعه؛ ج ۲، ص ۲۹۷. مقدس اردبیلی در حدیقه الشیعه نیز به این کتاب و نگارش آن به عربی توسط مرتضی بن داعی اشاره کرده است.
۲. کفایة الانام؛ ص ۵۳.

کرده باشد، البته آقا بزرگ‌نهاد علیه السلام با توضیحی که قبلاً گذشت به ترجمه عربی بطیعی دسترسی داشته و همزمان الفصول التامه را نیز ذکر می‌کند، شاید اجمال و تفصیلی بین تبصره و الفصول باشد و یا احتمالات دیگری؛ به هر حال ما اطلاعی از الفصول التامه نداریم و اطلاعات موجود کاملاً هویت ذکر شده در سطور گذشته نسبت به تبصره العوام و جمال‌الدین محمد حسین بن حسن رازی را تأیید می‌کند.

محتوا و فصول کتاب

تبصرة العوام فی معرفة مقالات الانام، چنان‌که از نام آن هم نمایان است، به توضیح گفته‌ها و نظریات برای عامه مردم پرداخته و با وجود اینکه در فن ملل و نحل بوده به دفاع از تشیع امامی می‌پردازد و به عبارتی کتابی کلامی است در واقع نویسنده سعی دارد با نقد فرق دیگر ضمن بحث، حقانیت شیعه را هم اثبات نماید و تمام تلاش خود را می‌کند تا مطالب علمی را عامیانه و قابل فهم برای عموم بیان نماید. علاوه بر این با تألیف کتابی در این زمینه به زبان فارسی قصد دارد تا فارسی‌زبانان را با عقاید و اخبار و اجمالاً فقه آشنا نموده و با زبانی عامیانه آنان را با فرهنگ شیعه آشنا کند، چرا که وی در نیمه اول قرن هفت می‌زیسته و ادعا دارد که در این زمینه کتابی به زبان فارسی نگارش نیافته است، لذا از آن‌جا که با مخاطبی فارسی‌زبان روبرو است اقدام به تألیف چنین اثری کرده است وی در این باره این چنین می‌نویسد: لازم شد شروع کردن و به قدر وسع بعضی از مذاهب و اعتقاد هر قومی یاد کردن بر وجه اختصار تا جماعتی که به مطالعه آن مشغول شوند از تطویل آن ملول و متحیر نشوند و عقیده‌های صحیح از فاسد بدانند و جامع و کاتب از باری تعالی ثواب جزیل و عطای جمیل یابند و این کتاب را تبصرة العوام فی معرفة مقالات الانام نام نهاده شد و بر بیست و شش باب مرتب ساخته». حسین بن حسن رازی ابواب ۲۶ گانه کتاب را در باب



فرق اسلامی و غیر اسلامی به فرقی هم چون فلاسفه، مجوس، صابیان، خوارج، معتزله، نجاریان، کرامیان، مشبهه و مجسمه و مذاهب اهل سنت و شیعه اختصاص داده و در ابوابی نیز به ذکر اعتقاد امامیان همچون حکایت فدک، فضایح بنی امیه، اهل عدل و جبر و ذکر چندین مسأله که بر امامیه تشنیع می‌زنند، پرداخته است.

جهت‌شناسی و روش‌شناسی کتاب

مرور کتاب نشان می‌دهد مطالب زیادی می‌توان در مورد محتوای آن به بحث گذاشت، نویسنده به‌عنوان یک عالم شیعه امامی در لابه‌لای بحث از فرق علاوه بر نقد فرق غیر شیعه به دفاع از تشیع نیز می‌پردازد که حاکی از وجود اصول و عقاید ثابت و محکم امامیان است؛ او در باب ابتدایی کتاب که به «مقالات فلاسفه و امثال ایشان» اختصاص یافته که به‌طور کلی بر آراء ابونصر فارابی تکیه کرده و معتقد است که این قوم را خبط بسیار است و با اشاره به اختلافات فلاسفه می‌گوید که بعضی اخبار ایشان متضاد است، به خوبی نمایان است که ایشان مخالف فلسفه بوده چنان‌که در آن مقطع عقیده برخی امامیه بر آن است؛ وی در پایان باب این‌گونه می‌نویسد: «بدان‌که بنای مذاهب فلاسفه بر یک اصل است و آن انکار صانع و قدم عالم و چون درست شود که عالم محدث است لابد که وی را محدثی باید و آن محدث صانع باشد و چون قدم عالم باطل شد مقالات ایشان باطل است» یا در آخر اضافه می‌کند «این دلیل بود بر فساد مقالات فلاسفه و جمله دهریان این قدر کفایت بود در این موضع»^۱.

باب دوم که در مقالات مجوس و دین ایشان است، در ابتدا به توضیح عقاید مجوس از فرق مختلف‌اش پرداخته و اعتقاد به ثنویت آنان را بیان می‌کند و با ذکر اعتقادات آن در باب پیامبران و امور دیگر و بیان نقدهایی به عقائد آنها

۱. تبصره العوام؛ تصحیح: جعفر واعظی؛ صص ۱۱۳-۱۱۲.

در پایان می‌نویسد: مقالات و فضاویح ایشان بسیار است و اگر بخواهیم که جمله یاد کنیم ملامت خیزد و میسر نشود اولی‌تر آن بود که بر این اختصار کنیم.^۱

جمال‌الدین محمد در باب سوم کتاب، به عقاید یهود، مسیحیان و مندائیان پرداخته و ضمن بیان عقایدشان نسبت به خداوند و انبیاء می‌نویسد: یهود گویند چهار زن پیغمبر بودند مریم خواهر موسی و هارون و حنه و ساره و رفقی و به نبوت سلیمان و عیسی و محمد قائل نیستند و یا در باب مندائین هم به اعتقاد آن‌ها در مورد عدم نبوت انبیاء هود و صالح و شعیب و موسی و هارون و عیسی و حضرت محمد ﷺ اشاره می‌کند و در پایان نیز به اختصار مطالب ذکر شده در این باب، متذکر می‌شود.

باب چهارم تا باب هجدهم، مشتمل بر «ذکر اصل فرق اسلامی و مقالات ایشان» است. وی در بیان فرق اسلامی، بنا بر حدیث افتراق، تعداد فرقه‌ها را ۷۳ دانسته، اما اعتقاد دارد که در اصل همه فرقه‌ها شاخه‌های دو فرقه اهل سنت و شیعه‌اند مؤلف تبصره العوام پس از طرح مسأله جانشینی پیامبر اکرم ﷺ و رد نظر اهل سنت، در باب احکام فرق مسلمانان این چنین می‌نویسد:

بدان که هر فرقتی از این فرق گویند که ناجی مائیم و دیگران همه کافر و گمراهند و همیشه در دوزخ باشند. اما اجماع امت است که این جمله فرق که بشهادتین و صانع و انبیا و اصول شرع اقرار کردند. خون و مال و زن و فرزند ایشان در حصن آمد و...^۲

در این باب‌ها رازی به ذکر فرقه‌های خوارج، معتزله، جهمیه (جبریان)، مرجئه، نجاریه، کرامیه، مُشَبَّهه و مُجَسِّمه می‌پردازد. ایشان در باب دوازدهم به مقالات اهل تناسخ و تا باب شانزدهم به فرق اهل سنت پرداخته و در باب

۱. همان؛ صص ۱۳۴-۱۲۷.

۲. همان؛ صص ۱۳۶-۱۳۵.



شانزدهم به فرقه‌های صوفیه پرداخته و آنها را شش فرقه یعنی حلاجیه، عشاق، نوریه، واصلیه، و دو فرقه دیگر که فقط به ذکر عقاید آنها پرداخته می‌داند و در باب‌های بعد، با طعنه از رسالهٔ قشیریه اقوال بزرگان تصوف را نقل می‌کند به نظر رازی صوفیان همه از اهل سنت‌اند و این دلیل محکمی بر محکومیت آنها است. ظاهراً در این دوره شیعیان، به مراتب، بیشتر از اهل سنت با صوفیه دشمنی می‌ورزیدند و احتمالاً از میان شیعه هنوز بزرگانی در تصوف برنخاسته بودند که در قرن هشتم و نهم این اتفاق افتاد و عرفایی نظیر: اوحدی مراغه‌ای (متوفای ۷۳۶هـ.ق) علاءالدین سمنانی (متوفای ۷۳۶هـ.ق) شاه نعمت‌الله ولی (متوفای ۸۳۴هـ.ق) سید حیدرآملی (متوفای اواخر قرن هشتم) و جامی (متوفای ۸۹۸هـ.ق) ظهور کردند.

مؤلف بحثی نیز در باره اعتقاد اهل سنت به معجزات و کرامات غیر معصوم دارد و از این که اهل سنت به باور شیعیان در مورد امامان شیعه طعنه می‌زنند، اما خود کراماتی این چنین نقل می‌کنند انتقاد می‌کند، و در بحث‌های بعدی خود به برخی باورهای سنّیان به تصریح او مجبره درباره انبیاء و نسبت دادن برخی خطاها و اشتباهات به آنها می‌پردازد، نپذیرفتن افسانه غرانیق از زبان او نیز در نوع خود جالب است. در باب‌های نوزده تا آخر، مؤلف به مسائل دیگری از جمله فرقه‌های شیعی، ناجی بودن اثنا عشریه، احادیثی در شأن اهل بیت علیهم‌السلام، عقاید اثنا عشریه، حکایت فدک و فضایح بنی‌امیه پرداخته است. وی شیعه را به چهار فرقه تقسیم می‌کند که تا زمان او باقی بوده‌اند: امامیان، زیدیان، اسماعیلیان، نصیریان وی در این باره می‌نویسد:

بدان که در این زمان قومی که خود را شیعه خوانند چهار فرقت بیش نمانده‌اند اول، امامیان دوم، زیدیان سوم اسماعیلیان چهارم نصیریان و هر

یک از این فرق چهارگانه مخالف خود را کافر، داند و ما مقالت این قوم و

آنان که نمانده اند یاد کنیم.^۱

در ادامه ایشان بیست فرقه از شیعه من جمله: سبائیه، کاملیه، بیانیه، منصوریه، خطابیّه، غرابیه، شریعیّه، هشامیه، یونسیه، مفضلیه، مفوضه، کیسانیه، اسماعیلیان، زیدیان و امامیان اثنا عشری را یادآور می‌شود و به اختصار به توضیح هر کدام می‌پردازد و سعی دارد تصویری واضح از شیعه اثنا عشر دهد و دامن آن را از برخی اتهامات به خصوص عقاید غلوگونه و غالیان پاک کند و به تفصل آن را متذکر می‌شود در ادامه نویسنده بنا دارد ثابت کند تنها مذهب حق، مذهب امامیه است؛ و اضافه می‌کند دلیل عقل اقتضاء می‌کند که حق در دو جهت مختلف نباشد و رسول خدا ﷺ هم یک فرقه را ناجی و بقیه را هالک دانسته است. از سویی دیگر اگر همه هم بر باطل باشند، باز با این حدیث رسول خدا ﷺ سازگار نیست و الجرم یکی باید حق باشد. ایشان ذکر می‌کند همه این فرقه‌ها سال‌ها پس از رسول خدا ﷺ پدید آمدند و مصداق کل حدث بدعه هستند سپس باب بیستم را در «دانستن حق که با کدام قومست و از کجا می‌باید طلبیدن» می‌نگارد؛ در این باب راه تشخیص را این‌گونه بیان می‌کند که راهی جز اینکه بینم خدا و رسول خدا ﷺ کدام گروه را حق می‌دانند، نداریم. سپس از آیات ولایت «انما ولیکم الله...»^۲ و برخی از احادیث در برتری اهل بیت، مانند حدیث سفینه نوح و موارد دیگر برتری مذهب اهل بیت ﷺ را ثابت می‌کند، این کاری است که رازی در چندین صفحه با ارائه چهار روایت و بحث درباره آنها انجام می‌دهد.

۱. همان؛ ص ۳۷۳.

۲. «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ». سوره مبارکه مائده: آیه ۵۵.



در باب بیست و دوم به حکایت فدک پرداخته و مستدل ادعاهای منع حضرت فاطمه علیها السلام از میراث رسول خدا صلی الله علیه و آله را بررسی و در رد آن حتی روایات تاریخی نقض از عمل خلفاء سه گانه می آورد و پس از آن در باب بیست سوم به بررسی احادیثی ساختگی از اهل سنت که در منقبت و ستایش خلفاء سه گانه می باشد، می پردازد، ایشان در این باب همچون باب های قبلی از لحاظ سندی و روایات های نقض تاریخی همه این احادیث را مردود می داند وی در ادامه فضایح بنی امیه را ذکر می کند و همه آنان را از منافقین می داند الا عمر بن عبدالعزیز؛ در باب بیست و پنجم نیز برخی از حکایت های مربوط به جبریون و عدلیون و به نوعی به داستان های احتجاج این دو فرقه نسبت به هم را بررسی می کند؛ ایشان در باب آخر به برخی از مسائل اختلافی بین شیعه و سنی، که اهل سنت بر اساس مکتب فقهی خود بر شیعیان ایراد می گیرند می پردازد و در مقام پاسخ از آیات و روایات بر می آید؛ نویسنده در باب بیست و ششم، کتاب را به اتمام رسانده و با ارائه دورنمایی از فرق و بیان ادله حقانیت شیعه به عنوان یک نویسنده شیعی مذهب کار خود را به نحو احسن به اتمام می رساند.

با توجه به آنچه که از محتوای کتاب بیان شد نکاتی کلی نسبت به اصل کتاب و محتوی آن به ذهن می رسد که به نظر ذکر آن خالی از لطف نیست؛ لذا در ادامه نوشته به بیان این نکات می پردازیم.

کتاب *تَبْصِرَةُ الْعَوَامِ فِي مَعْرِفَةِ مَقَالَاتِ الْأَنَامِ* همان گونه گذشت از اولین کتب فارسی در فن ملل و نحل بوده که به شیوه تحلیلی نگارش یافته هر چند شاید گفت به شیوه تتبع و گردآوری هم باشد با این وجود کتاب از حیث منابع قابل توجه و حائز اهمیت است؛ چرا که برخی از مآخذ نویسنده از میان رفته و یا هنوز به دست نیامده است. بدیهی است که رازی در بیان آراء و عقاید ادیان و مذاهب، در بسیاری از موارد بر منابع فرقه شناسی تکیه داشته و از آنها تأثیر

پذیرفته است، اما در مواردی هم برای بیان عقاید اصحاب ادیان و فرق به مآخذ خود تصریح کرده است، مثلاً در باب دیانت زرتشتی از دو کتاب خاص ایشان «کیان و بیان» و «خوره روزان» نامبرده^۱ و همچنین در مباحث مربوط به تاریخ سده یکم هجری قمری از آثار واقدی و بلاذری یاد کرده است یا در مواردی به جهت تفصیل مطلب ارجاع داده است به برخی کتب اولیه نظیر تاریخ طبری و ملل و نحل شهرستانی^۲، همه این موارد نشان از اسناد مطالب و دقت ایشان در نقل تاریخی است، اما نباید از اختصار مطالب غافل شد به گونه‌ای که خود ایشان در نگارش کتب بعدی خود مثلاً در مقدمه کفایه الانام یا در متن نُزْهَةُ الْکِرَامِ وَ بُسْتَانِ الْعَوَامِ بر آن متذکر شده‌اند.

کتاب تبصره، به رغم آنکه در علم فرق و مذاهب است، اما جهت‌گیری کلی آن دفاع از تشیع است و عناوین برخی باب‌های کتاب گواه این مطلب است لذا می‌توان گفت نویسنده از بحث کتاب فاصله گرفت است از آن گذشته نویسنده در ترتیب باب‌ها از طرح خاصی پیروی نکرده است. همان‌گونه که از تسمیه و مقدمه مؤلف روشن است کتاب کاملاً عامیانه نوشته شده است هر چند ادبیات تبصره العوام از جهت روانی کلام و فصاحت در حد بیان‌الادیان نیست، اما از جهت گستردگی و جامعیت مطالب، مهم‌تر از آن است که با در نظر گرفتن نگارش از منابع کهن اثری ارزشمند در این زمینه محسوب می‌شود.

عصر تألیف تبصره العوام به لحاظ مجادلات مذهبی اهمیت بسیار دارد به گونه‌ای که نگارش کتاب‌های متعدد در این حوزه شاهدهی بر این ادعاست و تبصره العوام به نوعی نشان دهنده الگوی دینی ایران عصر سلجوقی است و از این جهت که مطالبی از توزیع جغرافیایی مراکز مذهبی و پیروان آن عصر به دست

۱. نسخه شماره ۱۰۴۷۴ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، فریم ۱۳.

۲. همان، فریم‌های ۲۳ و ۳۱ و ۱۳۳ و ۱۴۰ و...

می‌دهد، اهمیت دارد؛ هر چند که به برخی از گزارش‌های تاریخی وی می‌توان خدشه وارد کرد، اما به دلیل چند اشتباه یا به این دلیل که مؤلف از علمای حدیث بوده نباید اصل کتاب را از حیث اطلاعات تاریخی ضعیف شمرد.^۱

رازی در نقل حکایات فرقه‌های غیرامامیه و رد عقائد آنها از تعصب به دور نبوده و جانبدارانه به این موضوع پرداخته و در طرح آرا نیز سعی در رد آرای سخیف و ضعیف داشته است تا جایی که در آخر معیار در تشخیص حق را هم معرفی می‌کند، در خاتمه کلام می‌توان گفت هر چند یکی از مشخصه‌های کتاب، لحن احتجاجی نویسنده است، اما اگر جانب انصاف را رعایت نمایم برخی مطالب از مقام خطابه به دور نیست.

استناد به منابع اولیه

منابع تبصرة العوام و کتب مذکور در متن کتاب منابع غنی است که برخی از آنها موجود و بعضی دیگر از بین رفته است و در مجموع تنوع مطالعه و منبع‌یابی مؤلف تبصرة العوام را نشان می‌دهد در این مجال سعی کرده‌ایم برخی از این منابع را شناسایی و معرفی کنیم. جمال‌الدین محمد برخی از منابع مورد استفاده خود را به صورت مجمل آورده خواه با اشاره نظیر ارجاع به آیات قرآن که با قول خدای یا آیت و... ارجاع داده یا خواه با ذکر نام مولف آورده و اشاره‌ای به منبع مورد استفاده خود نکرده است، نظیر افلاطون گوید یا ارسطو گوید و... در ادامه به برخی منابع استفاده شده وی می‌پردازیم.

۱. منابع یونانی: جمال‌الدین محمد به کتب زیادی از منابع یونانی دسترسی داشته و ظاهراً از ترجمه‌های عربی این آثار استفاده کرده است که در بین سطور

۱. برای نمونه مراجعه کنید به: شبیری زنجانی؛ *جرعه‌ای از دریا*؛ ج ۱، صص ۲۶-۳۰.

به برخی کتب و نویسندگان آنان اشاره می‌کند نظیر کتاب نوامیس افلاطون، ارسطو، جالینوس، بطلمیوس و....

۲. منابع کهن ایرانی: مولف از این منابع نیز به تناسب استفاده کرده ولی برخی مآخذ آن به وضوح معلوم نیست مانند کتاب کیان و بیان که اطلاعاتی از آن در دست نیست اما برخی آن را به ارسطو یا زکریای رازی با عنوان سمع الکیان نسبت داده‌اند^۱ یا کتاب خوره روزان که در منابع در دسترس دیده نشده است.

۳. در استفاده از منابع عربی و متون تاریخی و کلامی نیز با مؤلفی پر مراجعه و متتبع روبرو هستیم و یکی از ایرادهای عمده که اثر او را گردآوری قلمداد می‌کنند از همین ارجاعات زیاد مؤلف منشاء گرفته که از ظاهر اثر به آن منتقل می‌شویم اما در واقع روحیه پژوهشی او این خطا را به اذهان متبادر کرده در حالیکه عالمانه و منتقدانه و با دلیل و برهان اثری را نگاشته و در انتساب اقوال چاره‌ای جز ذکر منبع نداشته است؛ جمال‌الدین محمد برخی از منابع عربی مورد استفاده خود را نیز با ذکر اثر یا به تصریح مؤلف ذکر کرده نظیر وهب بن منبه، محمد بن حسن بن فرقد شیبانی، محمد بن عمر واقدی، ابو عبید قاسم بن سلام خزاعی، احمد بن محمد بن حنبل، حسین بن علی کرایسی، جاحظ، بخاری صاحب الجامع الصحیح، ابن الثلجی، ابن قتیبه، ابراهیم بن محمد ثقفی، بلاذری، کسروی (علی بن مهدی)، منصور حلاج، طبری، ابوحنیفه، حاکم مروزی، ابوالقاسم کوفی، ابونصر فارابی، ابوحاتم رازی، سلمی، ابوعلی مسکویه، شیخ مفید، ثعلبی، محمد بن اسحاق زوزنی و... و یا کتبی نظیر ملل و نحل شهرستانی، بیان الادیان و... چنانکه از متن کتاب نیز معلوم است بعضی از

۱. تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی؛ صص ۱۱۰ و ۱۹۳.

مطالب، شنیده‌های جمال‌الدین محمد است چنان که از ذکر مطلب «و این حکایت از مشبهی مغرب شنیدم و الهعده علیهم» پیداست. ارجاعات جمال‌الدین محمد از این کتاب، اثری مورد اعتنا و با اعتباری نسبی دست داده به خصوص که برخی از منابع مورد استفاده او از بین رفته یا اطلاعاتی از آن‌ها در دست نداریم و لذا این کتاب همواره با وجود اختلاف در مولف آن متنی مورد استناد و ارجاع بوده است.

نسخ خطی و چاپی کتاب

خوشبختانه نسخه‌های خطی متعددی از تبصره العوام موجود است و همان گونه که گذشت تاکنون ۶۸ نسخه در فهرست «دنا» از این کتاب معرفی شده و به احتمال نسخه‌های دیگری هم در داخل یا خارج از کشور وجود دارد البته آقای جعفر واعظی در آخرین تصحیح از این کتاب ۷۳ نسخه از این کتاب را ارایه داده است و برخی از آنها را نیز بررسی و معرفی کرده است؛ به صورت کلی نسخه‌های موجود از این کتاب دچار نقایصی هستند به طوری که برخی نه مقدمه دارند و نه اسم مؤلف برخی نیز هر دو را دارند اما نام مؤلف در حاشیه است، برخی نسخه‌ها هر چند مشخصات مؤلف را ندارند ولی با بررسی‌هایی که شده از متن کاملی برخوردارند نظیر نسخه شماره ۱۰۴۷۴ معرفی شده در فهرست دست نوشته‌های ایران و نسخه ۱۰۵۰ کتابخانه علامه طباطبایی شیراز که متنی نزدیک به هم دارند از میان نسخ کتاب مواردی نیز مقدمه و مؤلف را دارند اما به صورت نامعین همانند مجلس ۲۰۵۵ و ۲۰۵۶ که عبارت مرتضی الملقب به علم الهدی را دارند، لذا مؤلف مشخص نیست. مهم‌ترین نسخه این کتاب مربوط به ترجمه عربی آن با شماره ۱۲۵۶ در فهرست دست نوشته‌های ایران است که در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود اهمیت این نسخه در شناخت بیشتر مؤلف تبصره العوام است به خصوص که مترجم اصل دست نویس مؤلف را در اختیار داشته

و این مسأله اهمیت آن را دو چندان می‌کند، چنانکه گذشت مترجم مؤلف را معرفی می‌کند و اطاعات خوبی از مؤلف و خودش در ترجمه کتاب ارائه داده است.

این کتاب دوبار در تهران به ضمیمه کتاب قصص العلماء میرزا محمد تنکابنی چاپ سنگی شده است یک بار در سال ۱۳۰۹ و بار دیگر در سال ۱۳۱۳ هـ.ق. به خط محمد قلی خراقانی قراگوزلو؛ ولی احتمالاً اولین چاپی که از این کتاب شده، چاپ لاهور هند به سال ۱۲۹۶ هـ.ق. است که در حاشیه کتاب معارف الفرقه الناجیه و الثاریه تألیف سید ابوالقاسم لاهوری صورت گرفته است.

چاپ دیگری از آن نیز در سال ۱۲۸۱ ش به خط صمد تبریزی در ایران به صورت چاپ سنگی صورت گرفته است.

معروف‌ترین چاپ آن تصحیح مرحوم عباس اقبال است که برای اولین بار در سال ۱۳۱۳ ش و برای بار دوم در ۲۹۵ صفحه در سال ۱۳۶۴ ش توسط «انتشارات اساطیر» تهران، منتشر شده است البته چاپی از این کتاب به همت انتشارات اسلامی و با تصحیح و بررسی رحمت الله رحمتی اراکی نیز انتشار یافته است، آخرین چاپ از آن نیز با تحقیق و تصحیح جعفر واعظی بوده که توسط انتشارات سخن منتشر شده است که تقریباً از همه نسخه‌های یافت شده تا زمان نشر بهره برده و متنی دقیق ارائه داده است و نسبت مؤلف را هم به خوبی تحقیق و بررسی کرده است.



نتیجه‌گیری

با توجه به شواهد موجودی که در دست است انتساب کتاب تبصره العوام فی معرفه مقالات الانام به جمال‌الدین محمد بن الحسین بن الحسن الرازی الابی بلا اشکال است و به لحاظ سندی صحیح است اما هنوز این سؤال باقی می‌ماند که رابطه آن با «کفایه الانام» و «الفصول التامة في هداية العامة» چیست. اما آنچه می‌توان از این کتاب دریافت این است که هر چند موضوع مورد بحث آن فرق و ادیان است و آمیخته با مسائل کلامی است اما از حیث اطلاعات تاریخی به‌خصوص شناخت ملل و نحل بسیار اهمیت دارد به خصوص که با استفاده از میراث شیعی مکتب عراق و استفاده از دانش حدیثی، کلامی و تاریخی آن به دنبال تکرار و طرح مباحث نبوده و سعی در تألیف محصول علمی جدیدی داشته تا برخی عقاید غلط به خصوص عقاید غلات را که منابع فرق به امامیه نسبت می‌دهند را تشریح و رد کند چیزی شبیه النقض عبدالجلیل رازی با رویه ای جدید، اهمیت ویژه‌ای این کتاب علاوه بر به زبان فارسی بودن آن اطلاعات تاریخی است که از ایران قرن هفتم هجری و وضع شیعیان این قرن و مذهب امامیه می‌دهد که در خور توجه است به‌خصوص که برای عوام و بالحن احتجاجی در مقابل فرق دیگر نگاشته شده است از طرفی وجود نسخ متعدد از آن، حکایت از اهمیت و جایگاهی است که این کتاب در میان علماء داشته و ترجمه عربی آن نیز نمایان‌گر این جایگاه است و نشان از ارزش علمی آن می‌باشد و با طرح برخی ایرادات و اشکالات نمی‌توان ارزش آن را در نظر نگرفت.

منابع و مأخذ

* القرآن الکریم

۱. تبصرة العوام فی معرفه مقالات الانام، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۰۴۷۴ (نسخه خطی).
۲. ترجمه عربی تبصرة العوام فی معرفه مقالات الانام، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۲۵۶ (نسخه خطی) معرفی شده با عنوان تبصرة العوام فی معرفه مقالات الامام.
۳. تبصرة العوام فی معرفه مقالات الانام، شیراز: نسخه کتابخانه آستانه سید علاء‌الدین، شماره ۱۰۵۰ کتابخانه علامه طباطبایی شیراز (نسخه خطی).
۴. تنکابنی، محمد بن سلیمان، **قصص العلماء**، تهران: علمیه اسلامی ۱۳۱۳ق.
۵. جعفریان، رسول، مقالات و رسالات تاریخی، تهران: نشر علم، ۱۳۹۳.
۶. جعفریان، رسول، درس‌هایی درباره فرق اسلامی، تهران: نشر علم ۱۴۰۱ش.
۷. ذبیح‌الله صفا، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، تهران: مجید، ۱۳۸۴.
۸. ذبیح‌الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲، تهران: [بی‌نا]، ۱۳۳۹.
۹. سید مرتضی بن داعی حسنی رازی، تبصرة العوام فی معرفه مقالات الانام، چاپ عباس اقبال، تهران: اساطیر، ۱۳۶۴.
۱۰. شبیری زنجانی، موسی، **جرعه‌ای از دریا**، ج ۱، قم: مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه، ۱۳۸۹.



۱۱. طهرانی، آقا بزرگ، *الدَّرِيعَةُ إِلَى تَصَانِيفِ الشَّيْعَةِ*، قم: اسماعیلیان؛ تهران: کتابخانه اسلامی، ۱۴۰۸هـ.ق.
۱۲. طهرانی، آقا بزرگ، *طبقات اعلام الشيعة، تصحيح على نقى منزوى*، قم: اسماعیلیان.
۱۳. فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس، تهران، مجلس سنا، ۱۳۴۸.
۱۴. فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)، ویرایش مجتبی درایتی، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹.
۱۵. کتوری، اعجاز حسین بن محمد قلی، *كشف الحجب والاسرار عن اسماء الكتب والاسفار*، قم: مکتبه آية الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۹هـ.ق.
۱۶. منتجب‌الدین، علی بن عبیدالله، *الفهرست*، با مقدمه و تحقیق جلال‌الدین محدث ارموی، به کوشش محمد سمایی حائری، زیر نظر محمود مرعشی، قم: کتابخانه عمومی آیت الله نجفی مرعشی، ۱۳۶۶.
۱۷. جمال‌الدین مرتضی محمد بن حسین بن حسن رازی، *تبصرة العوام فی معرفة مقالات الانام*، تهران: سخن، ۱۳۹۶.
۱۸. ابوالقاسم اسحاق بن محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن زید مشهور به حکیم سمرقندی، *ترجمه السواد الاعظم*، مصحح عبدالحی حبیبی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸.
۱۹. محمد بن حسین بن حسن رازی آبی، *کفایه الانام*، مصحح رسول جعفریان، تهران: علم، ۱۳۹۴.
۲۰. محمدتقی دانش‌پژوه، «*کتابشناسی فرق و ادیان*»، فرهنگ ایران زمین، ج ۱۲ (شهریور ۱۳۴۴).
۲۱. احمد بن محمد مقدس اردبیلی، *حديقة الشيعة*، قم: چاپ صادق حسن‌زاده، ۱۳۷۷-۱۳۷۸.

۲۲. محمد بن حسین بن حسن رازی، نزهة الکرام و بستان العوام، مصحح محمد شیروانی، تهران: باقر ترقی.
۲۳. افشار، ایرج، مقاله «کتابی از مؤلف تبصرة العوام»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال هفتم، ش ۲.
۲۴. جعفریان، رسول، مقاله «مکتب شیعی ری در قرن هفتم بر اساس تبصره العوام» آیین پژوهش، سال سی و یکم شماره ۵، ۱۳۹۹.
۲۵. نرم‌افزارهای کلام اسلامی، درایه النور، نور السیره، تراث، تراجم و کتاب‌شناسی و تاریخ ایران اسلامی مرکز کامپوتری علوم اسلامی نور.

